

جلوه‌های اوصاف رضوی در خراسانی‌های یدالله بهزاد کرمانشاهی

خلیل بیگزاده^۱، عطا الماسی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۰

چکیده

یدالله بهزاد کرمانشاهی (۱۳۰۴ - ۱۳۸۶) از شاعران متعهد معاصر است که عشق به معصومین و اهل بیت^(ع) یکی از بن‌مایه‌های اصلی شعر او را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که بن‌مایه بخشی از شعرهای او در مجموعه «گلی بیرنگ» و «یادگار مهر» بازتاب باورها و اعتقادات مذهبی شاعر در این زمینه است. پژوهش حاضر جلوه‌های فرهنگی رضوی را در قصیده «خراسانی‌ها» از دفتر شعری «گلی بیرنگ» یدالله بهزاد کرمانشاهی تحلیل و بررسی خواهد کرد. این پژوهش یافته‌های نشان می‌دهد که سخنان گوهرخیز و عبیرامیر امام رضا^(ع) خاستگاه و آبشخور آگاهی بهزاد کرمانشاهی از برخی سویه‌های شخصیت معنوی حضرت است که شاعر با آن آشنایی یافته است. بنابراین، شعر بهزاد کرمانشاهی در بازخوانی شخصیت فرهنگی و معنوی امام رضا^(ع) از اغراق‌های ناروا به دور است، بلکه شاعر در قصیده «خراسانی‌ها» با زبانی شاعرانه و شعری ادیبانه، آشکارا عشق و ارادت خود را به امام رضا^(ع) از سویدای جان و بن‌دندان نشان داده است؛ چنان‌که پس از تحمیدیه‌ای در وصف مردم خراسان، آن‌هم متأثر از پرتوافکنی خورشید خراسان بر آن سرزمین، جلوه‌ای از اوصاف شخصیت معنوی امام رضا^(ع) و تأثیر جدی آن را بر رضوی گریبان معرفت‌طلب بازخوانی کرده و در آینه شعرش به تصویر کشیده است.

واژه‌های کلیدی:

امام رضا^(ع)، یدالله بهزاد کرمانشاهی، گلی بیرنگ، یادگار مهر، شعر معاصر.

۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول). kbaygzade@yahoo.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی. lmasi_ata@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از زمینه‌های مهم بروز و ظهور باورهای دینی، اعتقادات و آیین‌های مذهبی هر کشوری گستره ادبیات و فرهنگ آن کشور است. بنابراین ادبیات نظر به تنوع و گستردگی که دارد، توانسته است باورهای دینی و مذهبی ملت‌ها و اقوام گوناگون را در خود منعکس کند و یکی از باورها و اعتقاداتی که به وفور در ادبیات فارسی نمود پیدا کرده، مقام و جایگاه معصومین و اهل بیت^(ع) است که توجه ویژه به آن در کانون نگاه شاعران فارسی زبان بوده است. شاعران فرزانه و ادیبان جان آگاه کرمانشاهی نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و آثار ارزشمندی را با الهام از آیات، احادیث و روایات اسلامی در وصف، مدح و رثای پیامبر عظیم‌الشأن اسلام^(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) به ویژه امام رضا^(ع) خلق و اشعار خود را در آرایشی دیگرسان ارائه کرده‌اند.

حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) در یازدهم ذی‌قعدة سال ۱۴۸ قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. آن حضرت نخستین فرزند امام موسی کاظم^(ع) بود و در میان اعضای خانواده جایگاه ویژه‌ای از منظر عاطفه خانوادگی و به ویژه مهر و مهربانی پدر بزرگوارش داشت که همگی در قبال ایشان احساس مسئولیت عظیمی داشتند. امام رضا^(ع) در ۳۵ سالگی و پس از شهادت پدر، عهده‌دار مقام ولایت و امامت شد. ایشان تا آغاز خلافت مأمون در زادگاه خود، شهر مقدس مدینه سکونت داشت تا آن که به دعوت و اصرار مأمون خلیفه عباسی قصد عزیمت به سمت ایران کرد و سرانجام با دلی اندوهناک راهی دیار غربت شد. البته حضور ایشان در ایران فخری عظیم برای مردم این سامان بود، چنان که صدای گام‌های امام رضا^(ع) اشتیاق مردم جان آگاه و پرعاطفه ایران را برمی‌انگیخت. آثار گام‌های اندیشه و فرهنگ دینی را در ضمیر مشتاق ایرانیان می‌کاشت و غبار گام‌هایش توتیای چشم آن‌ها شد (جعفرنژاد، ۱۳۸۱: ۲۰) هر چند «اندک زمانی وجود نازنین‌اش مهمان خراسان بود و پس از شهادت، جسمش در خاک و عشقش در جان مردمان این سرزمین جای گرفت تا سرمایه دنیا و آخرت ایرانیان و سبب سرفرازی آنان باشد» (هادی، ۱۳۸۸: ۱۵۶) و پس از آن زندگی ایرانیان «در زمینه‌های مختلف سرشار از عشق و ارادت به محضر آن امام همام بوده است که یکی از جلوه‌های بارز آن در قالب آثار متعدد هنری و از جمله شعر بازتاب داشته است و از دیرباز شاعرانی که گرایش شیعی و علوی داشته‌اند، عشق و علاقه خود را در قالب شعر مذهبی تقدیم ساحت آن حضرت بزرگوار کرده‌اند (غنی‌پور ملک‌شاه و خلیلی، ۱۳۹۴: ۱۷).

یدالله بهزاد کرمانشاهی (۱۳۰۴-۱۳۸۶) از شاعران معاصر به‌ویژه ادب آیینی است که شعرش تجلیگاه باورها و اعتقادات مذهبی است. وی با سرودن اشعاری در مدح و ثنای معصومین^(۲) و اهل بیت، ارادت خالصانه خود را به این بزرگواران نشان می‌دهد. قطعه شعرهای «یا علی»، «یا علی»، «ولایت علی» و «فاطمه أم ابیها» از سروده‌های یدالله بهزاد کرمانشاهی است که هنر، عشق، اخلاص، تعهد و عاطفه در آن‌ها موج می‌زند. او تلاش کرده‌است که بازبانی فاخر و به دور از هر گونه اغراق و کج‌روی به بهترین نحو ممکن ابعاد شخصیتی این بزرگواران را در این اشعار به تصویر بکشد.

۱-۱. بیان مسئله:

شخصیت ملکوتی و مقام معنوی، علمی و اخلاقی امام رضا^(۳) موجب شده‌است که ادیبان پارسی‌گو از جمله یدالله بهزاد کرمانشاهی در بیان اوصاف و ابعاد شخصیتی آن حضرت با سخن‌سرایی، زیباترین مدح‌ها و مرثیه‌ها را به بارگاه مقدس‌اش تقدیم کنند. شاعر کرمانشاهی با علم به جایگاه والای امام رضا^(۴) در ذکر فضیلت‌ها و کرامات ایشان دست به آفرینش‌های ادبی در زبانی شاعرانه زده و با سرودن قصیده‌ای به نام «خراسانی‌ها» مراتب احترام و ارادت قلبی خود را به این امام همام^(۵) نشان داده‌است و در قالب واژگانی شاعرانه در بیانی ادیبانه توانسته‌است، پاره‌ای از کرامت‌ها و بزرگواری‌های حضرت^(۶) را بیان کند. امام رضا^(۷) در این قصیده به اخلاق عالی و ممتاز آراسته‌است و در حقیقت یدالله بهزاد حضرت را تجلی روح نبوت و مصداق رسالت دانسته‌است. این پژوهش در پی آن است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی علاوه بر اشاره‌ای مختصر به زندگی یدالله بهزاد و شیوه شاعری او، به پرسشی بنیادین پاسخ دهد که تأثیر و جلوه اوصاف، کرامات و ابعاد شخصیتی امام رضا^(۸) در قصیده «خراسانی‌های» یدالله بهزاد کرمانشاهی از منظر ساختاری و محتوایی چگونه است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق:

شعر یدالله بهزاد کرمانشاهی شعری آیینی و سرشار از آگاهی‌بخشی است. بنابراین جریان‌شناسی شعر آیینی و جلوه‌های آن در شعر یک شاعر متعهد و ملتزم که حضوری عینی در فرهنگ آیینی روزگار خویش دارد، اهمیت و ضرورت این پژوهش را تبیین می‌کند. هم‌چنین امروزه در گستره

هنر به زبان شعر سخن گفتن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و تأثیر به‌سزایی بر مخاطب امروزی در هجمه‌اندیشه‌های اومانستی دارد که موضوع بررسی و تبیین جلوه‌های فرهنگ رضوی در آینه شعر یدالله بهزاد کرمانشاهی و فراخای زبان شاعرانه و بیان ادیبانه این شاعر از این منظر حائز اهمیت است و معرفی فرهنگ رضوی و اوصاف امام رضا^(ع) در آینه هنر شعری او مهم و ضروری است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی درباره اشعار یدالله بهزاد کرمانشاهی انجام شده که «شعری ملتزم به بیداری» از سیدعلی موسوی گرمرودی (۱۳۸۷) درونمایه‌های شعر بهزاد و شیوه شاعری او را بررسی کرده است. «مردی بزرگ از سلاله نامداران ایران» از رحمت موسوی گیلانی، (۱۳۸۷) که نویسنده ضمن معرفی یدالله بهزاد کرمانشاهی به شخصیت اخلاقی و شاعری او اشاره و چند قطعه از اشعار او را نقد و بررسی کرده است. اما بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در موضوع جلوه‌های اوصاف رضوی در شعر این شاعر کرمانشاهی انجام نشده است. بنابراین نگارندگان ضمن توجه به یافته‌های ارزشمند پژوهش‌های پیشین، جلوه‌های اوصاف رضوی را در قصیده خراسانی‌های یدالله بهزاد کرمانشاهی بررسی و تبیین کرده‌اند.

۲. بحث اصلی

۲-۱. زندگی و جایگاه ادبی یدالله بهزاد

یدالله بهزاد کرمانشاهی فرزند حسین ایوانی سال ۱۳۰۴ در کرمانشاه دیده به جهان گشود و پس از گذراندن دوران ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و از محضر استادان بزرگی چون ص جلال‌الدین همایی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، محمد معین، ذبیح‌الله صفا، پرویز ناتل خانلری و دیگر استادان دانشمند آن روزگار دانشگاه تهران بهره‌ها برد و توشه‌ها اندوخت «(عاطفی، ۱۳۹۴: ۳۳۹ و ۳۴۰). او پس از عمری فعالیت فرهنگی و معلمی سال ۱۳۸۶ دیده از جهان فروبست و به دور از هنگامه و هیاهو، در عین گمنامی که تمنای جان‌آگاهی‌اش بود، خاک‌سپاری شد:

مرگی ز همه خلق نهانی خواهم
بی مجلس وعظ و نوحه خوانی خواهم
در ظلمت این وادی حسرت بهزاد
نه خضر و نه آب زندگانی خواهم

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۲۳۳)

آثار شعری ارزشمندی از این شاعر برجسته، متعهد، صاحب مقام در شعر، اما گمنام و بی نشان بر جای مانده است که دفترهای شعر «گزیده سخن»، «سخنی دیگر»، «خرده سخن»، «سخن چهارم» و... از جمله آن هاست و تنها دو مجموعه از گزیده اشعارش با عنوان‌های «گلی بیرنگ» و «یادگار مهر» به چاپ رسیده است. مجموعه «گلی بیرنگ» که اشعار آن به انتخاب شفيعی کدکنی گلچین شده است، شامل ۱۲۶ قطعه شعر و مجموعه «یادگار مهر» نیز دربرگیرنده ۱۲۸ قطعه شعر می‌باشد که در قالب‌های مختلف شعری به جز ترجیع بند و مسمط سروده شده‌اند.

نگاهی کلی به اشعار این دو مجموعه کافی است تا یدالله بهزاد را در زمره شاعران معاصر سنت‌گرای فارسی تلقی کرد که گاهی نیز دستی در نوگرایی داشته‌است و ارتباط با کسانی مانند امیری فیروز کوهی، فرخ خراسانی، محمد قهرمان و سایر دوستان خراسانی‌اش در آغاز و پس از آن با نوگرایانی مانند اخوان ثالث و شفيعی کدکنی دلیل بر این مدعاست. سبک او در قصیده عمدتاً خراسانی، اما در غزل ترکیبی از خراسانی و عراقی است و زبان غزل او نه بسیار نو و نه بسیار کهنه است (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۷: ۷۰). زبان شعری بهزاد کرمانشاهی در مجموعه‌های شعری «گلی بیرنگ» و «یادگار مهر» ترکیبی از واژه‌های دیروز و امروز است. وی غالباً از واژه‌های دیروزی استفاده‌های امروزی می‌کند و تعبیر جدیدی به وجود می‌آورد که برای نمونه در غزل «بخت بی مدارا» به ترکیب‌هایی مانند: یاد سبز، خلوت خیال، بخت بی مدارا، باد فتنه، گرد کدورت و... می‌توان اشاره کرد که آفریده شاعرانگی ذهن و فرهیختگی بیان شاعر در تلفیق عاطفه و تخیل است:

یادت همیشه سبز است در خلوت خیالم
خوبیم به خوبی تو پرسی اگر ز حالم
گرم است محفل من از ذکر نامت اما
دم‌سردی حریفان کمتر دهد مجالم
سالی گذشت و آمد نورو ز دیگر از راه
من با فروغ رویت فارغ ز ماه و سالم
دانم که ره ندارم بر آستانت اما
از بخت بی مدارا من در پی محالم
انگیخت باد فتنه گرد کدورت ارنه
من بانهاد صافی آینه‌ای ز لالم

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۲۴۳)

شاعر معاصر، مهدی اخوان ثالث، در تبیین جایگاه ادبی بهزاد می گوید: «نقدهارا اگر عیاری می گرفتند و نقادان و صیرفیان عصر، کارشان قاعده و قراری چنان که سزاوار است - نه قلابی و قلاشی و غلّ و غش اندازی و اندودگری و سحّ قلی و دغل بازی و قلب سازی و ناسره پردازی می داشت -، یدالله بهزاد امروز، جایش در صف مقدّم و تراز اول شهرت و قبول و رواج و عزّت و حرمت و محبوبیت و مقبولیت بود» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۷: ۶۹).

وقایع سیاسی و اجتماعی مضمون غالب در شعر بهزاد را تشکیل می دهد که گویای توجّه شاعر به تحولات زمان خویش است. بنابراین، بهزاد از شاعرانی است که می توان او را در زمره شاعران متعهد اجتماعی به شمار آورد، چون شعر او رسالت اجتماعی خویش را شناخته و در ادای این رسالت نیز موفق بوده است. شعر او بیان دل مشغولی های شاعری متعهد است که دغدغه های انسانی و مردمی دارد و این دل مشغولی ها به اندازه های گسترده، قوی و محکم است که باعث شده است، شعر وی فارغ از رنگ و بوی اقلیمی، سرگذشت مردمی باشد که در میان آن ها زیسته است. بهزاد کرمانشاهی به عنوان یک شاعر هنرمند و متعهد نمی تواند ناملايمات روزگار را ببیند و سکوت کند. بنابراین، با درک انسانی خویش دردهای جامعه را احساس می کند، از اوضاع ناپسند اجتماعی و سیاسی انتقاد می کند و برای تغییر اوضاع، بر خلاف ذوق و پسند حاکم بر جامعه سخن می گوید:

باز گو هر چه دل تنگ تو خواهد بهزاد که نداند کس از این جمع، زبان من و تو

(بهزاد، ۱۳۸۷: ۲۳)

۲-۲. قصیده خراسانی ها

قصیده خراسانی ها، قصیده ای نسبتاً طولانی است که یدالله بهزاد کرمانشاهی آن را به سال ۱۳۳۸ در بحر رمل مثنیّه مخبون محذوف (فاعلاتن. فاعلاتن. فاعلاتن. فعلن) سروده است. زبان شعری یدالله بهزاد در قصیده «خراسانی ها» زبانی کهن در سبک خراسانی است که به نظر می رسد شاعر نام آشنای کرمانشاهی به تأسی از جغرافیای سترگ و ستوار دیار باورمندش و نیز باورهای آیینی دیرباز و دیرپای سامان بشکوه اش به بلندای بیستون و طاق بستانش که سامانی در آیین و اندیشه دارند، در پی تابانیدن دیربندی در ساختار زبانی، موسیقایی و بیانی این قصیده است تا محتوای آن را آیینی تر و باورپذیرتر به نمایش بگذارد. چون استفاده از واژگان کهن، موسیقی باشکوه و آرام و نیز بیان مطمئن رهاوردی از شکوه، وقار و هیمنه را تداعی

می‌کند که پژواک ادبیات ماندگار آیینی و از دستاوردهای ادبیات والاست، چنان که فتوحی مداوم فرهنگی؛ انگیزش حس نوستالژیک و جلوه‌های رازآمیزی در متن و تقدّس بخشی به آن را از مزایای استفاده از زبان و سبک کهن می‌داند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۴).

مخاطب در این قصیده، بازتاب دین‌باوری بهزاد کرمانشاهی را در همه عناصر زبانی، واژگانی، ساخت نحوی، عناصر و بیان بلاغی مشاهده می‌کند، چنان که استفاده از واژگان و ترکیب‌های روضه خلد، سلیمان، پور آذر، دین‌هدی، پیمبر، زاهد، ایوان جلال؛ کاربرد عبارات‌ها و جمله‌هایی مانند خاک شو خاک، مکن بیش گران جانی‌ها، کاشکی بخت شود یار، دگر بار برد و... که فعل آن‌ها از وجه امری و التزامی است. همچنین استفاده از عناصر نمادین مانند شاه، شهریار، خسرو، والی و... که افزون بر بار احساسی و عاطفی، باورهای ایدئولوژیکی و دین‌باوری شاعر را از ذهن به عین حرکت می‌دهد.

۲-۳. جلوه‌های اوصاف رضوی

۲-۳-۱. مهربانی امام رضا (ع) و آثار تربیتی آن

یکی از وجوه برجسته سیمای امام رضا (ع) محبت و رحمت حضرت است که به مصداق حدیث قدسی «سَبَقَتْ رَحْمَتِي عَلَى غَضَبِي» یک ویژگی الهی است. «ایشان جامعه را با قدرت رحمت و محبت هدایت می‌کردند و مردم را به سوی کمالشان سوق می‌دادند» (شیخ‌وند و قاری، ۱۳۹۴: ۱۷۱) و می‌فرمود: «شما با مال و ثروت خود نخواهید توانست برای خود آبرو و افتخار به دست آورید، ولیکن با گشاده‌روی و معاشرت نیکو بر دل‌ها حکومت کنید» (عطار دی، ۱۳۸۴: ۸۸). بنابر این، شاعر در رویکردی نوستالژیک به این سخنان گوهر بار دُر خیز به اثرپذیری مردم خراسان از این آموزه‌های اخلاقی اشاره می‌کند و در آغاز قصیده خراسانی‌ها به تکریم و تمجید مردم خراسان می‌پردازد و به مصداق «شرف المكان بالمکین» که سرزمین خراسان به هشتم خورشید ولایت و امامت در درخشش و تجلی است، از مهربانی و محبت مردمان آن سرزمین یاد می‌کند. چون «علی‌رغم این که مأمون همواره در تلاش بود تا به نحوی از ارزش و قرب و منزلت امام (ع) در بین مردم کم کند اما شیوه ارتباطی ایشان به گونه‌ای بود که همواره باعث جذب قلوب مخاطبان و ایمان آوردن آن‌ها به دین اسلام می‌شد... و با رفتار اصلاح‌گرانه خود همواره سعی در بیداری و

آگاهی اندیشه‌های مخاطبان داشتند» (خان محمدی و یوسفی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). بنابراین، مردم خراسان به دلیل این که همسایه و همخانه مهر مهربانی‌ها هستند و از خورشید وجودش نور مهربانی بر آن‌ها می‌تابد، با همگان و نیز من نوعی شاعر با مهربانی رفتار می‌کنند و شاعر از این همه محبت سرشار است:

نیست در خاک خراسان دلی از مهر تهی زان که هم‌خانه مهرند خراسانی‌ها
(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۱)

۲-۳-۲. تأثیر نگاه فرهنگی و علمی امام رضا^(ع)

امام رضا^(ع) تمام مساعی خود را برای هدایت علمی و فرهنگی جامعه به کار می‌بستند که «یکی از نتایج مهم مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه اسلامی است. البته علی‌رغم اهتمام دین اسلام به دانش‌پروری و انگیزه مسلمانان برای توسعه و پیشرفت‌های علمی، به دلیل وجود برخی موانع سیاسی و اجتماعی در سده اول و اوایل سده دوم، فضای مساعدی برای توسعه علمی وجود نداشت؛ اما امام رضا^(ع) با استفاده از تکنیک‌های مدبرانه، راه علم و فرهنگ را در جامعه اسلامی و به ویژه تشیع فراهم آوردند» (خاکپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۹ و ۴۰). بنابراین، حضور امام رضا^(ع) در خراسان زمینه‌های توسعه علمی، فکری و فرهنگی را فراهم کرده و از نگاه شاعر کرمانشاهی اهالی سرزمین خراسان با بهره‌گیری از سرچشمه فیض فیضان فکر و اندیشه امام هشتم، مردمانی سزاوار سلطانی‌ها، عالمانی به خردمندی‌فراپی‌ها و سخن‌سرایانی به سخن‌پروری خاقانی‌ها هستند که در سرسرای ایران زمین (خراسان رضوی) و در ملک فرهنگ و ادب و هنر به سر می‌برند که ستودنی و شایسته هستند. زاهدانی عاری از ریاکاری و عاشقانی تهی از هوس‌رانی که شعوری آسیب‌ناپذیر و شعری پیوسته شاداب دارند:

آفرین باد بر آن قوم که در ملک ادب در خور افتد همه را دعوی سلطانی‌ها
عالمانشان به خردمندی‌فراپی‌ها شاعرانشان به سخن‌سازی خاقانی‌ها
زاهدندان عاری از ریاکاری‌ها عاشق‌اند اینان خالی از هوسرانی‌ها
علمشان کاخی از صدمت ویرانی دور شعرشان باغی بی‌آفت پژمانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۱)

۲-۳-۳. فروتنی امام رضا^(ع) و آثار تربیتی آن

تواضع و فروتنی امام رضا^(ع) همواره الگوی تربیتی بوده و از اهم آموزه‌های اخلاقی است. چنان که خود را از مردم جدا ندانسته و به کسی بی‌اعتنایی نمی‌کردند. شیخ صدوق به نقل از ابراهیم بن عباس می‌گوید: هرگز ندیدم که امام رضا^(ع) در سخن به کسی جفا ورزد و سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع نماید. حضرت در حضور دیگران پایش را دراز نمی‌کرد، چون سفره غذا می‌انداختند خدمتکاران را سر سفره غذا دعوت می‌نمود و با آن‌ها غذا می‌خورد. شب‌ها پس از استراحت بیدار می‌شد و به عبادت خدا مشغول می‌شد و مانند نیاکانش نیمه‌های شب غذا را برمی‌داشت و به خانه مستمندان می‌برد (آیت‌اللهی، ۱۳۷۴: ۴). فروتنی امام رضا^(ع) به عنوان اخلاق اجتماعی برجسته ستودنی است و فروتنی و مردم‌داری حضرت در روایات گوناگون ذکر شده است. و به ویژه از رویدادی که روایت می‌کند: مردی در حمام از آن حضرت خواست تا بدن او را مالش دهد و امام با فروتنی پذیرفت هنگامی که دیگران آن مرد را متوجه کردند و او امام را شناخت، با اضطراب و پریشانی پوزش طلبید؛ اما آن حضرت با ادامه کار خود، آن مرد را در مقابل شماتت دیگران دل‌داری می‌داد (ابن شهر آشوب، بی تا، ۴: ۳۶۲). بدین روی همسایگی امام خوبی‌ها باعث شده است که مردم خراسان میراث‌دار راستی و درستی و تواضع و فروتنی حضرت رضوی بوده و بر این اساس در عین سلیمانی و اقتدار و مکننت مادی و معنوی تا حد فرمانروایی بر فلک، مردمانی فروتن و متواضع باشند:

مجمع صدق و سدادند و ازیرا نرسد	جمع آنان را آسیبِ پریشانی‌ها
ور سلیمان زمانست، به هیچش نخرند	گر فروشد به کسی فخر سلیمانی‌ها
نیست حرفی به لبی زاده خودخواهی	نیست چینی ز سر کبر به پیشانی‌ها
خاکساری نگذارند و تکبر نکنند	بگذرند از ز ملک هم به فلکشانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۲)

شاعر بسیاری از ابعاد شخصیتی امام^(ع)، اوصاف و کرامت‌های حضرت را در ابیات محدود در بیانی شاعرانه عنوان کرده و اردات و اخلاص خود را به حضرت نشان داده است. بنا بر این، شاعر پس از تحمید به‌ای در توصیف مردم خراسان و تأثیر پر تو معنوی خورشید خراسان بر دل‌های تشنه مردمان آن دیار که ذکرش گذشت، برخی دیگر از اوصاف و ابعاد شخصیت نورانی خورشید خراسان، علی ابن موسی الرضا المرتضی^(ع) را بیان می‌کند که اشارتی نه درخور مقام والای حضرت

رضا^(ع)، بلکه سزاوار این مقال ذکر می شود:

۲-۳-۴. عصمت امام رضا^(ع) و آثار آن در خراسان

شاعر کرمانشاهی، خراسان را روضهٔ خلد برین می خواند که تابش خورشید بارگاه رضوی^(ع) بر آن سرزمین هر گونه شیطان صفتی را از آن زدوده و آن را از تمام آلودگی ها و پلیدی ها استحاله کرده است. نگاه شاعر در حقیقت اشاره ای به آیهٔ ۳۴ سورهٔ احزاب است که در شأن و منزلت اهل بیت^(ع) نازل شده است و شاعر در این جا به گونه ای ویژه امام هشتم و جایگاه حضرت رضا^(ع) را در خراسان در کانون نگاه خویش دارد و تأویل آیه را در بیت مطرح می کند:

روضهٔ خلد برین است خراسان که در او اثری نیست ز شیطان و ز شیطانی ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۳)

خدای سبحان می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ خداوند فقط می خواهد که آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزدايد و شما را پاک و پاکیزه بگرداند (احزاب، ۳۴). خدای سبحان اهل بیت عصمت و طهارت را در این آیه، از آفریدگان خویش متمایز کرده و این فضیلتی آشکار است که در وجود این بزرگواران، از جمله خورشید اثرگذار ملک خراسان، امام رضا^(ع) به ودیعه نهاده شده است.

این ویژگی امام رضا^(ع) در یکی از حرزهای حضرت به خوبی بیان شده است. مورخان گفته اند: «هنگامی که امام رضا^(ع) وارد طوس شدند، در ناحیهٔ نوقان که از مستملکات حمید بن قحطبه طایی به شمار می آمد، اقامت کرد. چون امام رضا^(ع) به خانهٔ حمید بن قحطبه وارد شد، جامه های خود را در آورد. در میان جامه هایش حرزی بود. درباره مضمون حرز از امام^(ع) سوال کردند. امام^(ع) فرمودند: این حرزی است که هر کس آن را در گریبان خود نگه دارد از شر شیطان در امان باشد» (طبرسی، ۱۳۳۸، ج ۲: ۱۸۸) که شیخ صدوق این حرز را در کتاب خود به طور کامل و دقیق نقل کرده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا أَوْ غَيْرُ تَقِيٍّ أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَبَصْرِكَ لِأَسْلُطَانَ لَكَ عَلَى وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا عَلَى بَصْرِي وَلَا عَلَى شَعْرِي وَلَا عَلَى بَشْرِي وَلَا عَلَى لَحْمِي وَلَا عَلَى دَمِي وَلَا عَلَى مَخِي وَلَا عَلَى عَصْبِي وَلَا عَلَى عِظَامِي وَلَا عَلَى مَالِي وَلَا عَلَى رَزَقِي رَبِّي سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَسْتِرِ النَّبُوَّةِ الَّتِي اسْتَتَرَ أَنْبِيَاءُ

اللّٰهُ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاعِنَةِ جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَإِسْرَافِيلُ عَنْ وَرَائِي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامِي وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنَا تُكَّ أَنْ يَسْتَفِرَّنِي وَيَسْتَحْفَنِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ»؛^(۱)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، به نام خدا، من پناه می‌برم به خدای مهربان از گزند تو ای دشمن خواه پرهیزگار باشی یا ناپرهیزگار باشی، به یاری خداوند شنوا و بینا (چشم و گوش تو را بستم) تو بر من و بر شنوایی و بینایی من و بر مو، پوست، گوشت، خون، مغز، اعصاب، استخوان و مال من و بر آن چه؛ خداوند به من روزی بخشیده، سلطه‌ای نداری، من میان خود و تو را با ستر انبیا و فرستادگان خدا پرده کشیدم، آن ستري که پیامبران الهی خود را از شر فرعون‌های زمان به آن حفظ کردند. جبرئیل در جانب راستم و میکائیل در جانب چپم و اسرافیل در پشت سرم و محمد^(ص) در پیش رویم می‌باشند و خداوند بر من اشراف و آگاهی دارد و مرا از گزند تو و گزند شیطان حفظ می‌نماید. خداوند اچهل او بر نهایت تحمل تو چیره نشود، به طوری که مرا پریشان و تحقیر کند. خدایا به تو پناه آوردم، خدایا به تو پناه آوردم، خدایا به تو پناه آوردم (شیخ صدوق، ۱۳۳۸ ب، ج ۲: ۳۷۸)

یدالله بهزاد در آغاز بیان ویژگی‌ها و اوصاف امام رضا^(ع) با اشاره به عصمت و پاکی امام^(ع) و انتساب ایشان به پیامبر اسلام^(ص) تلاش کرده است که اقتدار الهی ایشان را نشان دهد؛ چون عصمت امام لازمهٔ به دست آوردن احکام شرعی، از دو منبع قرآن و سنت و نیز حفظ آن احکام است، بنابراین، امام^(ع) نفس قدسی دارد و از هر خطایی معصوم و پاک است و به همین دلیل حضورش در خراسان، بهشتی از پاکی و سلامت نفس را به ارمان می‌آورد که ارزانی مردم آن سامان شده است.

۲-۳-۵. دین‌ورزی امام رضا^(ع) و آثار آن

وجود حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) در خراسان موهبتی بزرگ برای ایرانیان به شمار می‌رود و از این رو شاعران و نویسندگان ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است. یدالله بهزاد هم به تبع همین امر در ادامهٔ قصیدهٔ خراسانی‌ها^(۲) یمن قدوم مبارک امام^(ع) را موجب استقرار دین محمدی در خراسان دانسته است و اشاره می‌کند به واسطهٔ وجود پر فیض ایشان، دین اسلام در میان مردم آن سامان رواج دارد:

همه سو بینی از دین هدی نام و نشان همه جایابی آثار مسلمانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۲)

در حقیقت بهزاد تحت تأثیر آموزه‌های دینی، وجود امام رضا^(ع) را همانند دیگر ائمه^(ع) نور هدایتی می‌داند که وجودش موجب هدایت جامعه بشری است؛ چون امام حجت خداوند بر روی زمین است، از این رو کلام ایشان کلام خدا و فرامین ایشان فرامین خداوند است. بنابر این شخصیت ملکوتی امام^(ع)، نور هدایت و روح معنوی حضرت عامل بر این هدایت و رهبری است که مغیلان زدگان وادی گمراهی را به صحرای گل و ریحان رستگاری رهبری می‌فرماید؛ چنان که فرمود: «نَحْنُ نُورٌ لِّمَنْ تَبِعَنَا وَ هُدًى لِّمَنْ إِهْتَدَى بِنَا»؛ ما امامان نور هدایتیم برای کسی که از ما پیروی کند و عامل هدایتیم برای کسی که به وسیله ما هدایت شود (قمی، ۱۳۴۱، ج ۲: ۱۰۴).

۲-۳-۶. ولایت امری امام رضا^(ع)

بهزاد در یکی از بیت‌های قصیده، با آوردن آرایه ادبی تلمیح و اشاره به داستان حضرت ابراهیم^(ع) و قربانی کردن حضرت اسماعیل^(ع) نه تنها امامت را هم‌شأن نبوت می‌داند، بلکه تا حدودی مقام امامت را فراتر از نبوت معرفی می‌کند؛ چون که شاعر، امام رضا^(ع) را در بارگاه خداوندی و در مقامی نشان می‌دهد که حضرت ابراهیم پسرش را در آن جا قربانی می‌کند:

پاک فرزند پیمبر که به ایوان جلال
پور آذر پسر آردش به قربانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۲)

خداوند متعال فرمان داده است که باید از «اولی الأمر» اطاعت و پیروی کرد؛ چون اطاعت ولی امر ادامه اطاعت از خدا و رسول است: «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الأمر منکم فإِن تنازعتم فی شیءٍ فردوه الی الله و الرسول»؛ ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف رسول را اطاعت کنید و چون کار به نزاع کشید به حکم خدا و رسول خدا باز گردید (نساء، آیه ۵۹). نکات بلند و گنجینه پرارزشی در سخن بهزاد وجود دارد؛ چنان که شاعر در حقیقت با آوردن آرایه تلمیح در بیت، مقام اولی الامر برای امام رضا^(ع) قائل است و نشان می‌دهد که جایگاه معنوی ائمه^(ع) به ویژه امام رضا^(ع) را می‌شناخته و پیوسته تحت تأثیر قرآن کریم، سخنان معصومین و جایگاه آن امام بزرگوار بوده است. هم‌چنین امام رضا^(ع) در شأن و جایگاه ولایت معصومین که میراث رسولان اولوالعزم، انبیا و صاحبان علم است، می‌فرماید: «نحن ورثة الأنبياء و نحن ورثة اولی العلم و اولی العزم من الرسل أن أقیموا الدین»؛ ما امامان وارثان پیامبرانیم و وارث جاننشان ایشانیم

به ویژه دانش پیامبران اوالعزم تا این که همچون آنان دین را بر پای داریم (قمی، ۱۳۴۱، ج ۲: ۱۰۴).

۲-۳-۷. فضیلت زیارت بارگاه رضوی^(ع)

فضیلت زیارت بارگاه معنوی امام رضا^(ع) برای بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، اخلاقی و تربیتی حضرت، از نگاه تیزبین یدالله بهزاد به دور نمانده است، بلکه عظمت و بزرگی حضرت را به مخاطب اهل دل، جان آگاه و طالب معرفت یادآوری کرده است، چون نور تابنده کلام رضوی برای تنویر اندیشه صاحب‌دلان می‌فرماید: «هر کس مرا با دوری وطنم زیارت کند، در روز قیامت در سه مورد به یاری او خواهم شتافت: هنگام توزیع نامه اعمال، هنگام عبور از پل صراط و در پای میزان» (عطاردی، ۱۳۶۸: ۳۰۷). شاعر با الهام از این روایت رضوی، منزلت بارگاه امامی را خاطر نشان می‌کند که آفتاب همه روزه با شوق و اشتیاق آینه‌گردان ماهچه ایوان و بارگاهش است. از این رو شاعر در این اشاره‌های لطیف و شاعرانه به بارگاه معنوی امام رضا^(ع) و ذکر تالک معنادار گنبد طلایی آن از مخاطب می‌خواهد که برای دست‌یابی به عمر جاودان، خاک‌نشین بارگاه حضرت رضا^(ع) شود:

می‌کند ماهچه طارم وی را هر روز آفتاب از سر شوق آینه‌گردانی‌ها
عمر جاوید اگر خواهی به درگه او خاک شو خاک و مکن بیش گران جانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۳)

در پایان قصیده شاعر آرزو دارد که دوباره فرصت تشریف به آستان پاک امام رضا^(ع) را به دست آورد و عاشقانه بر آن درگاه بوسه بزند. او به نمایندگی از خیل مشتاقان زیارت بارگاه حضرت بر آن است که سرزمین خراسان به دلیل حضور حاضر حضرت^(ع) به عنوان ولی خدا از چنان فضیلتی بهره‌مند است که پناهگاه غم‌زدگان و جایگاه حاجتمندان گشته است. از دید بهزاد هاله‌ای از تقدیس و تطهیر آن بارگاه نورانی سرزمین خراسان را فرا گرفته است که او و همانندانش اشتیاق و آرزوی دیدار دوباره آن جا را دارند:

کاشکی بخت شود یار و دگر بار برد رخت بهزاد بدان بقعه به آسانی‌ها
تا زند بوسه بر آن خاک که هر ذره او آب خورشید فلک برده ز رخسانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۴)

بارگاه شریف امام رضا^(ع) در خراسان در نگاه شاعر از عزیزترین مکان‌های بافضیلت در اسلام

است که مسلمانان برای تقرب به خدای سبحان به زیارت او می‌روند. خاستگاه آگاهی شاعر از فضیلت‌های زیارت بارگاه رضوی، حدیث شریفی است که فرمود: «مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي وَ مَزَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثُلُثِ مَوَاطِنٍ حَتَّى أُحَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ»؛ هر کس با وجود دوری خانه و مزارم، مرا زیارت کند، روز رستاخیز، در سه محل پیش او می‌آیم؛ تا از ترس‌هایی - که در آن سه جا مردم را فرامی‌گیرد. نجاتش دهم: الف. زمانی که نامه‌های اعمال به راست و چپ به حرکت درآید ب. در جلو پل صراط ج. در کنار سنجش اعمال میزان» (شیخ صدوق، ۱۳۳۸ ب، ج ۲: ۵۰۶).

بهزاد به آمال خویش رسیده و بر آستانش رخ ساییده‌است. از این رو با قلبی آرام و تسکین یافته با تمام وجود آرزو می‌کند که بار دگر بر درگاه معشوق بوسه بزند و چون این آرزو از ژرفای درون و باطن یک انسان عاشق برمی‌خیزد، آثار تربیتی آن بر ذهن و درون خواننده و مخاطب تأثیر دو چندان دارد.

۲-۳-۸. شفاخواهی زائران

نکته مهم این که بهزاد در بیت‌های زیر به شفا بخشی امام رضا^(ع) و توسل زائرین به ایشان اشاره دارد. چون بعد از شهادت امام^(ع) در مشهد مقدس، کرامات و برکاتی از جمله شفای بیماران در بارگاه شریف آن حضرت آشکار شد و عام و خاص را تحت تأثیر قرار داد. بنابر این بهزاد به عنوان یک ادیب صاحب ذوق و شیعه اهل بیت، با نگاه به بُعد کرامتی شخصیت امام رضا^(ع)، ایشان را نجات‌بخش انسان سالک از هلاک و راهبری به سوی عوالم هدایت معرفی کرده‌است و از مخاطب می‌خواهد برای رهایی از بلا و مصیبت، دل در گرو دوستی شاه خراسان، امام رضا^(ع) ببندد:

هر کرا تن شـود آزردۀ باران بلا	گو بپوشد ز ولای شه بارانی‌ها
فری آن بر شده ایوان فلک‌سا که چو عرش	نرسد هر گزش آسیب ز ویرانی‌ها
بی‌بها چوبی اندر کف چوبک زن او	کرده با گوی فلک دعوی چو گانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۳)

ایوان فلک‌سایی که چنان عرش‌اعلی بلند مرتبه است و هرگز دست ویرانی، قدرت آسیب‌رساندن به آن را ندارد؛ چنان که مریدان بارگاهش با گوی فلک ادعای همبری و توان‌آزمایی دارند. این بیت‌ها در حقیقت به حدیث «سلسله الذهب» اشاره دارند که فرمود: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِي، مَنْ

جاءَ مِنْكُمْ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِالْإِخْلَاصِ دَخَلَ فِي حِصْنِي وَمَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»؛ منم خدایی که خدایی جز من نیست، پس مرا پرستش کنید. هر کس از شما که بیاید و شهادت (لا اله الا الله) را با اخلاص بگوید، وارد قلعه و حصار من شده‌است و هر کس که داخل در قلعه و حصار من بشود از عذاب من ایمن خواهد بود (صدوق، ۱۳۳۸ ب، ج ۲: ۳۷۵).

شیخ صدوق در ادامه این حدیث می‌گوید: «چون مرکب ایشان به حرکت در آمد، حضرت ندا داد: «و بشر و طها و انا من شروطها» و شیخ در توضیح آن نوشته است که از شروط آن اقرار به حضرت رضا^(ع) است. به این معنی که امامی از جانب خداوند عزّ و جلّ بر بندگان اوست و اطاعت از او بر بندگان واجب است (همان).

به عقیده بهزاد کرمانشاهی اگر انسان بخواهد از سختی‌ها و گناهان دور شود، باید همراهی با ولیّ خدا را برگزیند؛ تا مشمول آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، ۲۵۷) شود. بنابر این ولیّ خدا همان حصن خداست. «لا إله إلا الله» حصن خداست. انسان چه کند که در این «لا إله إلا الله» قرار بگیرد؟ آن موقعی که در حصن ولایت الله قرار بگیرد، باید انسان ولیّ داشته باشد؛ تا از ظلمات گناهان گوناگون بیرون آید. وقتی انسان همراهی با ولیّ را برگزید، بر تمام مشکلات و سختی‌ها غلبه می‌کند؛ چون که قرآن در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت^(ع) تجسم و عینیت تمام یافته است و سیره کریمانه و سخن حکیمانه آنان، مستقیم یا غیر مستقیم تبیین‌کننده ابعاد گوناگون کتاب الهی است.

۲-۳-۹. لقب‌های امام رضا^(ع)

امام علی بن موسی رضا^(ع) لقب‌ها و عنوان‌های گوناگونی مانند: شمس الشموس، سراج الله، عالم آل محمد، معین الضعفا و الفقراء، ضامن آهو، غریب الغرباء، رضا و... دارد که یدالله بهزاد در یکی از بیت‌های قصیده به یکی از این القاب امام^(ع) اشاره کرده و در کنار آن لقب‌های دیگری برای حضرت ساخته‌است که مناسب شخصیت و موقعیت امام معصوم^(ع) است:

والی ملک ولا خسرو اقلیمِ رضا کش رضا می طلبد چرخ به دربانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۲)

مشهورترین لقب امام علی بن موسی^(ع)، «رضا» است که بنا به روایتی در کتاب «عیون اخبار الرضا»

علت ملقب بودن آن حضرت به «رضا» این بوده است: «رَضِيَ بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ كَمَا رَضِيَ بِهِ الْمُؤَافِقُونَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ لَمْ يَكُنْ ذَالِكَ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَلِذَلِكَ سَمِيَ مِنْ بَيْنِهِمْ بِالرَّضَا. هم دشمنان مخالف و هم دوستان موافق به ولایت عهدی او رضایت دادند و چنین چیزی برای هیچ یک از پدران او دست نداده بود» (شیخ صدوق، ۱۳۳۸ ب، ج ۱: ۱۳).

۲-۳-۱۰. غریب‌الغربایی امام رضا^(ع)

بنا بر روایتی امام جعفر صادق لفظ «غریب» را برای امام رضا^(ع) به کار برده است. در عیون اخبار الرضا نقل است از حسین بن زید مروی که گفت: از امام جعفر صادق^(ع) شنیدم که می‌فرمود: مردی از اولاد فرزندان موسی^(ع) بیرون آید که اسم او اسم امیرالمؤمنین^(ع) است و به زمین طوس می‌رسد و با زهر کشته شود و در آن جا غریب دفن شود (شیخ صدوق، ۱۳۳۸ ب، ج ۲: ۵۰۸)

موضوع غربت در اشعاری که در مدح و منقبت این امام بزرگوار سروده می‌شود ریشه در دوری حضرت از زادگاه و بستگان دارد و به این دلیل حس نوستالژی غربت را در انسان بیدار می‌کند. تصویر و تصور غربت امام رضا^(ع) در خراسان موجب شده است که بهزاد کرمانشاهی با امام^(ع) احساس همزادپنداری کند و غم غربت خویش را با غم غربت امام^(ع) همسان بدانی، به دلیل این حس مشترک، غمش را به آرامش و شادی بدل کند و در جوار بارگاه معنوی حضرت قلبش سرشار از آرامش و تسکین شود؛ چون امام رضا^(ع) خود غریب است و می‌داند، چگونه غم غربت را تسکین دهد و آن را به شادی تبدیل کند. بنابر این یدالله بهزاد غریبی خود و هم‌نوعان خراسانی را به دلیل فراوانی نعمت حضور امام^(ع) در آن سرزمین شادی بسیار می‌خواند و نوعی متناقض‌نمایی معنایی نیز در بیت خلق می‌کند:

غم غربت کم و شادی خراسان بسیار چیره شد بر غم شادی ز فراوانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۳)

۲-۳-۱۱. وصف امام رضا^(ع) در نمادواژها

نمادها معمولاً تصویری قراردادی برای نمود یک اندیشه هستند و رابطه میان تصاویر، نظرها، باورها و عواطف را توصیف می‌کنند (شوالیه و آلن گربران، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۴). یدالله بهزاد با آگاهی از این شیوه تلاش کرده است که با انتخاب نمادهای معقول و متعارف در وصف امام رضا^(ع) گوشه‌ای از

ابعاد شخصیتی این امام بزرگوار را نشان دهد. «شهریار»، «شاه»، «والی ملک و لا»، خسرو اقلیم رضا» نمادهایی هستند که شاعر به وسیله آن‌ها توانسته است تصویری سزاوار از امام رضا^(ع) در ذهن مخاطب ایجاد کند. علاوه بر این گویا یدالله بهزاد بار معنایی این نمادها را می‌دانسته و از آن آگاهی داشته‌است، چرا که شاه، نماد روح و جان آدمی در مقام تجرد و گسستن از مادیات است و خسرو نماد کسانی است که تمام مدارج معنوی سیر و سلوک را طی کرده‌اند (سجادی، ۱۳۹۳: ۳۵۲ و ۴۹۶). بنابراین شاعر می‌گوید:

والی مملوک و لا خسرو اقلیم رضا	کش رضا می‌طلبد چرخ به دربانی‌ها
زهی آن شاه که بر درگه او قیصر و خان	نیستند آلا در زمره فرمانی‌ها
ویژه کنجاست فرابرده سر کاخ ز ماه	شهریاری بدو گیتیش جهان‌بانی‌ها

(بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۳)

شاعر در این قصیده، شکوه و عظمت امام^(ع) را غیر قابل تصور دانسته و ایشان را یگانه دوران خویش خوانده است. از نگاه او کسی هم‌سنگ امام^(ع) نیست. امام^(ع) را فرمانروای سرزمینی معرفی می‌کند که سپهر دربانی در گاهش را طالب است و حتی پادشاهان جهان را فرمانبردار و مطیع امام^(ع) می‌داند. بهزاد کرمانشاهی با تبیین اوصاف شخصیتی امام رضا^(ع) در قالب این نمادها، مدح‌ها و منقبت‌هایی را که در وصف امام^(ع) سروده شده‌است، از یکنواختی و کلیشه‌ای بودن خارج کرده و با ملموس کردن خواسته‌های قلبی خود در این زمینه به ماندگاری یاد و خاطره حضرت و تمایز ایشان با انسان‌های معمولی کمک کرده‌است. بهزاد در بهره‌گیری از نمادهای «شاه» و «شهریار»، تحت تأثیر آموزه‌های دینی و مذهبی بوده و این نمادها برآیندی از سخنان امام رضا^(ع) است که فرمود: «نَحْنُ سَادَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ مُلُوكٌ فِي الْأَرْضِ»؛ ما (امامان) سروران دنیا هستیم و پادشاهان (حقیقی) زمینیم (شیخ صدوق، ۱۳۳۸ ب، ج ۲: ۵۷).

۳. نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های شعر یدالله بهزاد کرمانشاهی آن است که فصاحت سخن، سرایش فنی و ذوق ادبی خود را در پروراندن شعری متعهد و آیینی به کار گرفته‌است. او از شهرت‌طلبی و امتیاز‌گیری پرهیز کرده و تحت تأثیر باورهای اجتماعی، دینی و آیینی، مکنونات قلبی خود را در قالب شعر

بازگو کرده‌است. بخشی از سروده‌های او بازتاب آموزه‌های دینی و مذهبی در زمینه مدح ائمه^(ع) به ویژه امام رضا^(ع) است. این سروده‌ها سرشار از آموزه‌های دینی با محتوا و مضمونی متکی بر فرهنگ غنی اسلامی هستند که خاستگاه بخشی از آن‌ها سخنان گوهر خیز رضوی است.

بنابر این، یادکرد مهربانی، فضیلت، عصمت و پاکی امام رضا^(ع)، توسل به پیشگاه ایشان و طلب شفاعت از حضرت به دلیل جایگاه ولایی، عصمت و... که دارد، از محوری‌ترین موضوعاتی است که نگاه شاعر در شعرش به آن معطوف بوده‌است. نکته دیگر در شعر دینی و آیینی بهزاد، شیوه ستایش و مدح امام رضا^(ع) است که شاعر تلاش کرده‌است تا شخصیت معنوی امام رضا^(ع) را در لباس واژگان و الگویی ارزشمند نشان دهد که براننده اوصاف و جود حضرت باشد. بر این اساس، شاعر جلوه‌ای از همه سویگی شخصیت امام رضا^(ع) را مانند مهربانی، عصمت، معنویت ملکوتی، ولایی و اولوالامری، فضیلت کرامت و شفا بخشی، خاستگاه امید و آرمان زائران و... در قصیده خراسانی‌ها بازخوانی است و به خوبی از عهده آن برآمده‌است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

- آیت‌اللهی، مهدی (۱۳۷۴)، **آشنایی با معصومین**، تهران: انتشارات جهان آرا.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، **مناقب آل ابی طالب**، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه.
- بهزاد کرمانشاهی، یدالله (۱۳۸۱)، **گلی بیرنگ**، تهران: نشر آگاه.
- (۱۳۸۷)، **یادگار مهر**، تهران: نشر آگاه.
- جعفر نژاد، محمدجواد (۱۳۸۱)، **آثار حضور و برکات امام رضا (ع) در ایران**، قم: انتشارات سلسله.
- خاکپور، حسین و دیگران (۱۳۹۳)، «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا (ع) بر جامعه شیعه»، **فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی**، سال دوم، شماره هشتم، صص ۲۹-۵۶.
- خان محمدی، کریم و یوسفی محدثه (۱۳۹۳)، «سیره ارتباطی امام رضا (ع) از مدینه تا مرو»، **فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی**، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱۰۵-۱۳۵.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۹۳)، **فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی**، چاپ دهم، تهران: انتشارات زبان و فرهنگ ایران.
- شوالیه، ژان و آلن گریبران (۱۳۸۸)، **فرهنگ نمادها**، ترجمه سودابه فضایی، ج اول، تهران: جیحون.
- شیخ‌وند، زهرا و فاطمه سادات قاری (۱۳۹۴)، «تحلیل و بررسی اصول و مبانی توسعه اخلاق رضوی در اشعار معاصر فارسی»، **عهد جانان: مجموعه مقالات همایش علمی- پژوهشی امام رضا (ع) در آیین ادبیات معاصر**، گردآورنده ابراهیم رحیمی زنگنه، کرمانشاه: نشر گلچین ادب، صص ۱۴۹-۱۷۸.
- شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۳۳۸ ب)، **عیون اخبار الرضا**، ترجمه محمد تقی اصفهانی، ج ۱ و ۲، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- (۱۳۳۸ الف)، **التوحید**، ترجمه محمد تقی اصفهانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- طبرسی، ابی علی فضل بن حسن (۱۳۳۸)، **اعلام الوری باعلام الهدی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- عاطفی، یدالله (۱۳۹۴)، «نگاهی به زندگی و آثار یدالله بهزاد کرمانشاهی»، **بر بلندای بیستون** (یادنامه استاد بهزاد کرمانشاهی)، به اهتمام ناصر گلستانی فر و دکتر ابراهیم رحیمی زنگنه، تهران: انتشارات معین، صص ۳۳۹-۳۴۶.

- عطاردی، عزیزالله (۱۳۶۸)، اخبار و آثار حضرت رضا^(ع)، تهران: صدر.
- (۱۳۸۴)، جوامع الحکم، تهران: عطارد.
- غنی پور ملکشاه، احمد و احمد خلیلی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی قصاید رضویة ابن یمن و صاحب بن عباد با رویکرد بینامتنی»، مجموعه مقالات همایش ملی امام رضا^(ع) در آیینة ادبیات تطبیقی فارسی و عربی، به کوشش خلیل بیگزاده و ابراهیم رحیمی زنگنه، تهران: یار دانش، صص ۱۵-۳۲.
- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی رویکردها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۴۱)، تفسیر قمی، ج ۲، قم: انتشارات دارالکتاب.
- موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۷)، «شعری ملتزم به بیداری»، فصلنامه تخصصی شعر گوهرا، تهران: شماره هفدهم، صص ۶۱-۷۰.
- هادی، روح‌الله (۱۳۸۸)، «سیمای امام رضا در شعر پارسی»، فصلنامه بهار ادب، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۸۸، صص ۱۵۵-۱۷۰.